

درباره یکی از قدیمی‌ترین روستاهای غرب مشهد که امروزه بخشی از شهر است

روایتگری تاریخ در قلعه اربابی «امامیه»

مرضیه ترابی | منطقه‌ای که امروزه غرب مشهد را تشکیل می‌دهد و ما آن را با نام‌هایی همچون قاسم‌آباد، الهیه، امیریه، اقدسیه و... می‌شناسیم. روزگاری روستاها و مزارع متعددی را در بر می‌گرفته‌اند که به لطف فئات‌های پرآب و رودخانه‌های فصلی، آباد و سرسبز بوده‌اند و جمعیت شایان ملاحظه‌ای در آن‌ها سکونت داشته است. امروزه با توسعه مناطق شهری در غرب مشهد، دیگر کمتر می‌توان رد و نشانی از آن آبادی‌های پیداکرد. تنها گاهی می‌توانیم در آینه اسامی، گریزی به گذشته بزنیم و از آن‌ها بادی کنیم؛ اما ما جرای «امامیه» فرق می‌کند؛ قلعه روستای قدیمی «امامیه»، جایی در غرب فضای نمایشگاه‌بین‌المللی مشهد، همچنان برپا و حتی در سال ۱۳۹۰ خورشیدی ثبت ملی شده‌است. این قلعه ظاهراً تنها نمونه از قلعه‌های اربابی است؛ یعنی همان قلعه‌هایی که فنودال‌های منطقه در آن‌ها زندگی می‌کردند. در گزارش امروز، گریزی به تاریخ و پیشینه «امامیه» خواهیم زد؛ روستایی که نام‌ویادش در ریه‌های غرب مشهد گم شده و تنها اسمی منسوخ شده بر یک بولوار باخشت‌های در حال تخریب از آن به یادگار مانده است.

- جغرافیای تاریخی «امامیه»

مهدی سیدی در کتاب «نگاهی به جغرافیای تاریخی شهر مشهد» معتقد است که «امامیه»، در اصل همان «روستای چهل بازه» پیشین بوده که یک حد روستای یوسفیه (قاسم‌آباد بعدی) را تشکیل می‌داده است. او می‌نویسد، «اینکه از چه زمانی این آبادی به «امامیه» شهرت یافت، معلوم نشد»، با این حال، صحت این ادعا و تفکیک یا ادغام دو روستا با یکدیگر، نیازمند ادله درخور تائست که شوربختانه فعلاً در اختیار نداریم. در اسناد قدیمی حکومتی، «امامیه» به عنوان روستایی خوش‌آب‌و‌هو‌ا دارای فئات‌های پرآب ذکر شده است. این روستا در تقسیمات کشوری دوره ناصرالدین‌شاه قاجار، بخشی از بلوک «میان‌ولایت» بود و در کتابچه مربوط به این بلوک، درباره‌اش چنین نوشته‌اند: «در سه فرسخی شهر واقع است، قدیم‌النسق است، شش خانوار کرد و ترک و تاجیک دارد، زراعت دارد، زراعت از فئات مشروب می‌شود، دامن بیلاق و هوای خوش دارد، نوکر دیوان ندارد». حدود هفتاد سال بعد، در سال ۱۳۲۹ خورشیدی، حاج‌علی‌رزم‌آ‌اد در جلدنهم کتاب «فرهنگ جغرافیایی ایران» درباره «امامیه» نوشت: «ده از دهستان شاندیز بخش طریقه مشهد، شش کیلومتری شمال خاوری طریقه، سر راه اتومبیل طریقه به شاندیز، در دامنه کوه، معتدل، سکنه: ۲۰۳ نفر، [مذهب: شیعه و زان]؛ فارسی، شغل: زراعت و مال‌داری، راه: مال‌رو».

- افق‌های مهم تاریخی

هرچند که در متون تاریخی اطلاعات گسترده‌ای درباره پیشینه «امامیه»، قبل از دوره قاجار، وجود ندارد. مجاورت این روستای قدیمی و قلعه تاریخی‌اش با محوطه‌های باستانی مشهوری مانند سنگ‌نگاره‌های «کمربقولا»، خبر از گذشته‌ای زرین در این منطقه می‌دهد. طبق گزارش جغرافی دانانی



مانند «ابن حوقل» و «مقدسی»، منطقه‌ای که روستای «امامیه» در آن قرار داشت، در نزدیکی روستای مهم و پرجمعیت «تروغ‌بذ» یا طریقه امروزی واقع شده بود. این ناحیه بخشی از بلوک توس به حساب می‌آمد که دو شهر آباد «تایران» و «نوغان» در آن قرار گرفته بودند و به دلیل آب‌وهوای استثنایی و مطلوبی که داشت، در آن مزارع آباد، جنگل‌های سرسبز و گونه‌های جانوری متنوع به چشم می‌خورد. این چیزی است که می‌توانیم درباره پیشینه منطقه «امامیه»، با عنایت به گزارش‌های تاریخی تصور کنیم. در دوره‌های بعد و در پی شکل‌گیری و توسعه شهر مشهد نیز «امامیه» و اطراف آن همواره به عنوان تفرجگاه و شاید اردوگاه نظامی مد نظر بوده‌است، به‌ویژه در ایلغار مغولان که نیاز به مراتع و علفزارهای سرسبز برای تأمین «علیق» اسبان نظامی، بیش از پیش مورد توجه امرای سپاه چنگیزی قرار گرفت.

- «امامیه» به روایت اسناد

در اسنادی که من نگارنده به آن‌ها دسترسی داشتم، قدیمی‌ترین سند موجود درباره «امامیه» متعلق به سال ۱۲۹۴ قمری (۱۲۵۶ خورشیدی) یعنی یک سال قبل از نخستین سرشماری تاریخ مشهد است که به دستور ناصرالدین‌شاه و با عاملیت «زین‌العابدین میرزای قاجار» انجام گرفت. بیشتر اسناد مربوط به «امامیه»، در مجموعه سندهای «خانواده بزرگ‌نیا» نگهداری می‌شده که



«شاتر» به دست شدن ناصرالدین‌شاه

ترابی ناصرالدین‌شاه با وجود بدنامی‌هایش در تاریخ، آدم هنر دوست و هنر پروری بود. تأسیس «مدرسه صنایع مستظرفه» از اقدامات او بود که زمینه‌تربیت هنرمندان بنامی همچون کمال‌الملک را فراهم کرد. یکی از هنرهایی که ناصرالدین‌شاه سخت‌بدان مهر می‌ورزید و در سفر و حضر از آن غافل نمی‌شد، هنر عکاسی بود. شاه قاجار از همان اوان سلطنت، به این هنر جدیدالورود علاقه‌نشان داد و با کسانی که فن عکاسی می‌دانستند، دمخور بود، البته در میان درباریان و شاهزاده‌های قجری قبل از ناصرالدین‌شاه، هنر عکاسی کم‌وبیش شناخته‌شده بود و حتی یکی از فرزندان فتح‌علی‌شاه به نام «ملک قاسم‌میرزا» را به عنوان نخستین عکاس ایرانی می‌شناسند. اما این ناصرالدین‌شاه بود که فن عکاسی را برای ایجاد پرونده‌های تصویری به کار گرفت و آثار ذی‌قیمتی را پدیدآورد که امروزه در ردیف ارزشمندترین عکس‌های تاریخ ایران محسوب می‌شوند. به دستور او اتونوبو جیانوزی و لوئیجی یشه، افسران ایتالیایی در خدمت ارتش ایران که با عکاسی آشنا بودند، به اقصی نقاط کشور سفر کردند و از بناهای تاریخی عکس گرفتند. آلبوم نفیس جیانوزی از خراسان و حرم‌رضوی، یادگار همین دوره تاریخی است. شاه قاجار بعدها شخصاً به عکاسی رو آورد و به تدریج در سوزه‌یابی و ایجاد زیست متناسب در سوزه‌های عکاسی، تبحر زیادی پیدا کرد. یکی از قالب‌هایی که ناصرالدین‌شاه به آن علاقه فراوانی داشت، قالبی است که ما امروزه آن را با نام «سلفی» (عکس از خود) می‌شناسیم. از ناصرالدین‌شاه تاکنون دست‌کم چهار عکس سلفی کشف شده‌است که در

اکنون در اختیار مرکز اسناد آستان قدس رضوی است. محتوای سند سال ۱۲۹۴ قمری، مربوط به فروش بخشی از اراضی مزرعه «امامیه» و «نوحاه» بوده که توسط «حاجی میرزا محمد جعفر» به امضا رسیده است (سند شماره ۳۲۷۴ مرکز اسناد آستان قدس رضوی). نوحاه مزرعه‌ای در جوار «امامیه» بود و معمولاً در اسناد موجود، از این دو مزرعه در کنار یکدیگر یاد شده و ظاهراً هالی دوروستا و صاحبان زمین‌ها منافع مشترک بسیاری داشته‌اند. نظیر سند فوق‌الذکر، دو سال بعد در ۱۲۹۶ قمری (۱۲۵۸ خورشیدی) هم تنظیم شده است. در آن سال، شخصی به نام «آقا کربلایی نوروز محمد» ۹ سهم از کل مزرعه نوحاه را در مقابل ۴۵۰ تومان وجه نقد و با اجاره نودساله به «کربلایی رحیم» واگذار کرد (سند شماره ۲۵۴۹ مرکز اسناد آستان قدس رضوی).

حاجی میرزا محمد جعفر، کربلایی نوروز محمد و کربلایی رحیم، فعلاً قدیمی‌ترین افرادی هستند که درباره حضور و مالکیت آن‌ها در روستای «امامیه» اطلاعاتی هرچند مختصر داریم. در سال ۱۳۰۵ قمری (۱۲۶۷ خورشیدی)، اواخر دوره ناصرالدین‌شاه، درباره واگذاری بخشی از اراضی «امامیه» و نوحاه، مصالحه‌ای خطی تنظیم شد.

این مصالحه که سند آن با شماره ۳۵۳۱ در مرکز اسناد آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود، میان میرزا حسین جواهری و عبدالمجید خان به امضا



نمایی از بولوار امامیه در اوایل دهه ۷۰ قرن ۱۴ خورشیدی

رسید. میرزا حسین جواهری احتمالاً از خاندان مشهور جواهری بود که در زمره خادمان حرم رضوی قرار داشتند. مقارن تنظیم این سند، سند وقف‌نامه «امین‌السلطنه» نیز تنظیم شده که در آن نامی از اعضای خاندان جواهری به میان آمده است. امین‌السلطنه یکی از اعضای این خاندان را به عنوان ناظر موقوفه ارزشمند خود ش بر حرم مطهر رضوی تعیین کرده است. «منصوره اتحادیه» متن این وقف‌نامه را در کتاب خود با عنوان «در محضر شیخ فضل... نوری» چنین آورده است: «نظارت موقوفه مزبوره را مفوض فرمودند به عالی‌جناب سلاله السادات حاجی میرزا آقای جواهری خادم کشیک اول آستان قدس این مرحوم آقا سید محمد جواهری و بعد فوته نظارت را اکبر اولاد ذکور عالی‌جناب معزی‌الیه خواهد بود. ماتعاقبوا و تناسلوا الی ان یقرض و پس از انقراض اولاد ذکور آن وقت امر نظارت به جناب فاخت‌نصاب متولی باشی جلیل‌الشان سرکار فیض‌آثار دام‌اقباله مفوض است و محل مزبور را در تصرف وقف داد و خود تولیت تصرف فرمود و صیغه وقف علی‌نهیج المرقوم واقع و جاری شد و کان‌ذلک به تاریخ شهر محرم الحرام مطابق هذه السنه تنگورژئیل تحویل یک‌هزار و سیصد و پنج سنه ۱۳۰۵».

برنامه خرید و فروش اراضی در «امامیه»، طی دهه‌های بعد هم ادامه پیدا کرد. در سال ۱۳۰۲ خورشیدی یک سهم‌ونیم از مزرعه «امامیه»، متعلق به کربلایی نوروز محمد که ذکرش پیش‌تر رفت، به حاجی میرزا حسین جواهری در قبال دویست تومان و اجاره نودساله واگذار شد. «امامیه» تا سال ۱۳۲۰ خورشیدی، هنوز به بخشی از مشهد تبدیل نشده بود، اما با شروع توسعه مناطق غربی مشهد و شکل‌گرفتن شهرک‌ها و مناطق مسکونی در اراضی موسوم به «قاسم‌آباد»، به تدریج رنگ آبادانی دید و به محدوده شهر مشهد پیوست.



تاریخ

نگار

بیمه، قانونی که در دولت مصدق شکوفا شد



گروه تاریخ و هویت اطبق اسناد بر جای مانده، قرن چهاردهم میلادی زمانی است که جهان با واژه بیمه –به معنا و مفهوم امروزی آن– آشنا شد و از آن برای دوام مال و سود خود به‌ویژه در تجارت استفاده کرد، اما قدمت این واژه در ایران به حدود ۱۳۰ سال می‌رسد.

مکتوبات تاریخی نوشته‌اند این ناصرالدین شاه قاجار بوده که به‌طور رسمی و برای نخستین بار در سال ۱۲۷۰ خورشیدی امتیاز «تأسیس اداره حمل‌ونقل و سازمان بیمه در ایران» را به یک شخص روس تبار به نام «لازار پولیاکف» واگذار کرده، اما این طرح به دلایلی اجرا نشده است. بعد هادر سال ۱۲۸۹ هجری قمری و در حکومت احمدشاه قاجار، دونیباد روسی با نام‌های «نادژا» و «کافکاز مرکوری» فعالیت‌های بیمه‌ای را در ایران آغاز کردند و به تدریج شرکت‌های بیمه‌ای خارجی دیگر نیز وارد این حوزه در ایران شدند که این مهم ۲۵ سال به‌درآ کشید. اسناد می‌گویند در سال ۱۳۱۴ حدود ۲۹ شرکت بیمه خارجی در ایران کار می‌کردند که برخی از آنان تا پیش از پیروزی انقلاب نیز همچنان به قوت خود باقی بودند. در سال ۱۳۱۴ خورشیدی ورق برگشت تا بیمه ایرانی شرکت‌های خارجی، با حضور «الکساندر آقایی» و «علی اکبر داو»، با سرمایه دولتی ۲۰ میلیون ریال، کاملاً ایرانی شود. شرکت سهامی بیمه ایران، به عنوان نخستین شرکت بیمه ایرانی، در شهریور ۱۳۱۴ خورشیدی با سرمایه اولیه ۲۰ میلیون ریال تأسیس شد و با وجود کارشکنی شرکت‌های بیمه خارجی، توانست در همان سال نخست فعالیت خود، ۶۲ درصد بازار بیمه کشور را در اختیار بگیرد و سهم مؤسسات خارجی را از ۱۰۰ درصد به ۲۸ درصد کاهش دهد. در ادامه این روند در سال ۱۳۲۱ خورشیدی قانونی در دولت دکتر مصدق تصویب شد که طبق آن، فعالیت شرکت‌های بیمه‌ای خارجی در ایران را محدود می‌کرد. این قانون، زمینه شکوفایی شرکت‌های ایرانی بیمه را فراهم کرد. آن‌چنان‌که بین سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۴۳ خورشیدی، هشت شرکت بیمه خصوصی ایرانی تأسیس و فعالیت این شرکت‌ها، نسبت به بنیاد‌های خارجی، برتر گ‌تر شد. همچنین به منظور پرورش نیروهای فنی کارآمد در صنعت بیمه کشور، در سال ۱۳۴۹ مدرسه عالی بیمه تأسیس شد. یک سال بعد، یعنی در سال ۱۳۵۰ هم قانون تأسیس بیمه مرکزی به تصویب رسید و این سازمان توانست نظارت بیشتری بر فعالیت‌های بیمه‌ای داشته باشد. در همین سال شرکت‌های بیمه‌ای فعالی همچون بیمه تهران، بیمه دانا، بیمه حافظ و بیمه ایران و آمریکا با مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی تأسیس و سبب شدند این صنعت به شکوفایی برسد. بعد از پیروزی انقلاب، در سال ۱۳۵۸ همه شرکت‌های بیمه ایرانی توسط شورای انقلاب ملی اعلام شدند و طبق اصل ۴۴ قانون اساسی، همه فعالیت‌هایشان زیر نظر دولت قرار گرفت.

پس از این تاریخ، طبق آمار ثبت‌شده، در سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱، به سه شرکت بیمه ایران، آسیا و البرز مجوز صدور بیمه‌نامه داده شده است. در سال ۱۳۶۶ نیز، «شرکت بیمه‌ای ادغام شدند و شرکت بیمه دانا شکل گرفت. شرکت بیمه توسعه صادرات نیز از سال ۱۳۷۲ فعالیت خود را آغاز کرد و تعداد شرکت‌های بیمه به پنج شرکت دولتی رسید. از بیمه در مشهد اطلاعات زیادی در دست نیست؛ تنها می‌دانیم که نخستین ساختمان بیمه که «ایران» بوده، دهه ۴۰ در مشهد شروع به فعالیت کرده و چندسال بعد نیز دفتر نمایندگی بیمه آسیادر خیابان چمران فعلی به آن افزوده شده‌است تا بیمه در مشهد نیز مانند دیگر شهرها توسعه یابد.

ایران

نامه

یادی از دکتر «شوربن» که اولین دکترهای دارالفنون شاگرد او بودند

اولین معلم داروسازی ایران

فرخدا از اوایل قرن پنجم میلادی و در زمان شاپور اول، دانشگاه جندی شاپور به مرکز تجمع اندیشه‌های یونان، هند، آسیای غربی و ایران تبدیل شد و علم پزشکی و داروسازی در آن رونق چشمگیر یافت. اینجا بود که برای نخستین بار، رشته پزشکی از داروسازی تفکیک شد و نیز کتاب‌های داروسازی و طبی حکیمان یونانی همچون ارسطو، سقراط و جالینوس، در آن دانشگاه به فارسی ترجمه شد. در دانشگاه جندی شاپور، تدریس راپزشکان ایرانی، یونانی، سریانی و هندی به‌عهده داشتند و زبان رسمی آن دانشگاه یونانی بود، ولی داروسازی به زبان پارسی تدریس می‌شد، زیرا پزشکان ایرانی در امور داروسازی مهارت خاصی داشتند، به‌طوری‌که اولین کتاب داروسازی در دنیا را شاپور، پسر سهل، نوشت. در جندی شاپور بالاخره طبی به وجود آمد که برابند دانش و تجربیات پزشکی ایرانی، یونانی و هندی بود که «طب ایرانی قبل از اسلام» نام گرفت. این طب، پایه و مایه طب «ابن‌سینا» شد. پس از حمله اعراب در زمان خلافت عمر، جندی شاپور به تصرف ابوموسی اشعری درآمد. اما بیمارستان جندی شاپور همچنان برقرار بود تا اینکه منصور دوانیقی، سرسلسله خلفای عباسی، «جبرئیل بن بختیشوع» و عده دیگری از حکیمان و دانشمندان جندی شاپور را به بغداد برد. با این اقدام خلیفه عباسی، بغداد که در آن روزگار پایتخت کشورهای اسلامی محسوب می‌شد، به مرکز علم پزشکی تبدیل شد. در ایران نیز به محض آنکه پادشاهان آل بویه، استقلال از دست‌رفته خود را باز یافتند، عضدالدوله، پادشاه آن سلسله، به بغداد رفت و با وجود خلیفه عباسی، عملاً زمام امور سرزمین‌های اسلامی را به دست گرفت و به ترویج علم و تأسیس مؤسسات خیریه پرداخت که احداث نخستین بیمارستان به نام «عضدیّه» در شهر بغداد از آن جمله بود. پس از آن، به‌همت بزرگان ایران، نه‌تنهادر بغداد که در بسیاری از شهرهای مهم ایران مانند نیشابور، بلخ و بخارا، دانشگاه‌ها و بیمارستان‌های مهمی دایر شد. در این بیمارستان‌ها، بخش داروسازی، «شراب‌خانه» نامیده می‌شد که یکی از بخش‌های مهم بیمارستان به‌شمار می‌رفت و سرپرست آن را «مہتر» می‌گفتند؛ بنابراین ایرانیان را باید پایه‌گذار تشکیلات صحیح داروسازی در بیمارستان دانست.

سال ۱۲۲۹ خورشیدی، در مدرسه دارالفنون، یک معلم داروساز ایتالیایی، به تدریس این علم می‌پرداخت. در سال ۱۲۹۱ مدرسه دواسازی تأسیس شد. دوره داروسازی، پنج سال بود و دانشجویان به‌جز ساعات درس، می‌بایست در یکی از داروخانه‌ها، تحت نظر داروسازی مجرب و معروف، آموزش داروسازی می‌دیدند. در سال ۱۳۱۳ که دانشگاه تهران تأسیس شد، مدرسه دواسازی به‌دانشکده تبدیل شد. اولین داروخانه‌باداروهای گیاهی هم در سال ۱۳۲۷ خورشیدی در مریض‌خانه دولتی‌ای که به دستور امیرکبیر تأسیس شد، دایر گردید.

اولین داروخانه به‌سبک جدید در ایران راشوربن آلمانی، معلم داروسازی دارالفنون، در خیابان ناصرخسرو راه‌اندازی کرد. اما از دکتر هوشنگ نظامی می‌توان به عنوان نخستین ایرانی که داروخانه تأسیس کرده است، نام برد. او داروخانه نظامی را در خیابان چراغ‌برق راه‌اندازی کرد.

شهر

۳شنبه

۶ آذر ۱۴۰۳
۱۴ شهریور ۱۴۰۳
شماره: ۳۳۰

۱۵



تاریخ و هویت

کشف

تاریخ